



۲۰۰۹ هـ

## گل‌های جاویدان در قابهای گل سرخ



اصیل ایرانی یکی از مشهورترین و محبوبترین برنامه های رادیویی بود که در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ به ابتکار داوود پیرنیا در رادیو اجرا می شد. شهرت و محبوبیت این برنامه چنان بود که پیوسته زمان پخش آن طولانی تر می شد و موسیقی اصیل ایرانی که کم کم بر اثر تلاطم های سیاسی و تأثیر پذیری از موسیقی عربی و ترکی رو به زوال می رفت و در یکپارچگی و هم آهنگی اصالت خود را حفظ کرد.

برنامه رادیویی گل‌های جاویدان در بهاران سال ۲۰۰۹ به همت و ابتکار بنیاد فرهنگی و غیر انتفاعی توس در لندن از صدا به تصویر و به صحنه کشانیده شد و با ضبط در قابهای گل سرخ با نام و یاد داود پیرنیا به جاودانگی و تاریخ پیوست.

گل‌های جاویدان و شاخه های عرفانی آن گل‌های رنگارنگ، یک شاخه گل، برگ سبز و گل‌های صحرایی تلفیق زیبا و استادانه ای از برگزیده ترین اشعار شعرای معاصر و قدیمی موسیقی



عاشقان از تاثر و یا صحبت کوتاه من نبود برای کلامی بود که از دل آنها بر می خواست و اینک از زبان من شنیده می شد.

به جرات می توان گفت که بنیاد توس در هر نشست هنری خود کوشش را به ترسیم تصویر و یا به صحنه کشاندن یک هنر در ایران اختصاص داده است تا به حال بهترین و با محتواترین برنامه های ادبی و فرهنگی را به اجرا در آورده است.

این تحقیقات و این همه خاطره به همت و کوشش دو قلندر عاشق خانم و آقای لویزون، به مدت پنج سال انجام شده بود که در شب تجلیل از داوود پیرنا با حضور پسران و اقوام ایشان و آخرین هنرمندان برنامه گلها پس از دریافت تندیس های فردوسی که به عنوان تشکر و شرکت آنها به حضورشان تقدیم شد، به جاودانگی رسید. امید و آرزوی ما موفقیت سازمانهایی با این چنین اهداف پاک و منزله در جهت حفظ میراث فرهنگ، ادبیات، تاریخ و هنرهای ایران است. شرح کامل این گزارش و تصاویر آن را در شماره آینده خواهید خواند.

خانم جمیل خرازی انسانی فرهنگ دوست و عاشق هنر ایران که بیشتر سالهای عمرش را در خارج از خاک وطن گذرانیده است می گوید: این نه تنها دین من به جوانان و سایر مردم غیر ایرانی بلکه دین هر ایرانی به ادبیات و هنر ایران است که در بازسازی و یادآوری هنرهای ایرانی در سطح جهانی بکوشد. لزوم به تاکید و یادآوری آنکه ما جز شهرتهای کاذب و تروریسم هنرهای دیگری برای شناسایی خود به دنیا داریم و یا داشته ایم در این برحه از تاریخ بیش از هر زمان دیگر احساس میشود.

وقتی از او پرسیدیم که چرا مردم در سالن متأثر بودند و چرا شاهد اشکهای تماشاچیان بودیم با شگفتی گفت: هرچه از دل برآید بر دل نشیند. داوود پیرنیا روح خود را در گلها برای ما به یادگار گذاشت و من به عنوان یک عاشق و شنونده برنامه گلها فقط از طریق عشق و علقه مشترک می توانستم به راههای پنهانی قلب حضار رخنه کنم چراکه جوانی های سوخته قلبهای عاشق همه با این نواها و تصویرها در روحشان جان گرفتند. اشک این